

بازتعریف معاملات فضولی در پرتو نظریه نوین اراده معقول (نقد ماده ۲۴۷ قانون مدنی ایران)

علی اکبر عرفانیان طالعی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰

چکیده

معاملات فضولی، به عنوان یکی از موضوعات محوری در حقوق مدنی ایران، در ماده ۲۴۷ قانون مدنی تعریف شده که معامله به مال غیر را غیرنافذ دانسته و صحت آن را منوط به اجازه صریح مالک می‌داند. این رویکرد سنتی، با وجود حمایت از حقوق مالک، با چالش‌هایی نظیر سخت‌گیری در الزام به اجازه صریح، نادیده گرفتن حسن نیت معامله‌کننده، عدم توجه به رفتارهای ضمنی مالک و ناسازگاری با نیازهای بازارهای مدرن مواجه است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و شیوه استنباطی، به بررسی مفهوم معاملات فضولی، نقد ماده ۲۴۷ و بازتعریف آن در پرتو نظریه نوین اراده معقول می‌پردازد. نظریه اراده معقول، با تأکید بر نیت عقلانی، رفتارهای ضمنی، حسن نیت و عرف تجاری، می‌تواند کاستی‌های ماده ۲۴۷ را برطرف کرده و توازن بین حقوق مالک و معامله‌کننده ایجاد کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که این نظریه، با به رسمیت شناختن اجازه ضمنی و حمایت از حسن نیت، امکان هماهنگی ماده ۲۴۷ با تحولات حقوقی و اقتصادی مدرن را فراهم می‌کند. نتایج پژوهش، پیشنهادهایی برای اصلاح ماده ۲۴۷ ارائه می‌دهد، از جمله به رسمیت شناختن اجازه ضمنی، حمایت از حسن نیت، ایجاد استثنای در معاملات تجاری، تطبیق با اصول عدالت و تدوین رویه قضایی منسجم. این اصلاحات می‌توانند به روان‌سازی معاملات، تقویت اعتماد در بازارهای تجاری و توسعه عدالت در روابط قراردادی کمک کنند. این پژوهش با تکیه بر منابع معتبر فقهی، حقوقی و تطبیقی، راهکارهایی کاربردی برای بهبود نظام حقوقی معاملات فضولی ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی

معاملات فضولی، ماده ۲۴۷ قانون مدنی، نظریه اراده معقول، اجازه ضمنی، حسن نیت، عرف تجاری، عدالت قراردادی، نمایندگی ظاهری

۱- دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران.

مقدمه

معاملات فضولی، به عنوان یکی از موضوعات پیچیده و چالش برانگیز در حقوق مدنی ایران، از دیرباز در فقه اسلامی و نظام حقوقی ایران مورد توجه بوده است. این معاملات، که در آن شخصی بدون اذن یا نمایندگی از مالک، نسبت به مال یا حقوق او اقدام به انعقاد قرارداد می کند، در ماده ۲۴۷ قانون مدنی ایران تعریف شده است. این ماده، که ریشه در فقه امامیه و به ویژه نظرات فقهای مانند شیخ انصاری در مکاسب و محقق حلی در شرایع الاسلام دارد، معامله به مال غیر را غیرنافذ دانسته و صحت آن را منوط به اجازه صریح مالک می داند. این رویکرد، با هدف حمایت از اصل مالکیت و جلوگیری از تصرف غیرمجاز در اموال دیگران طراحی شده، اما در عمل با چالش های متعددی مواجه است. از جمله این چالش ها می توان به سخت گیری در الزام به اجازه صریح، عدم توجه به حسن نیت معامله کننده، نادیده گرفتن رفتارهای ضمنی مالک و ناسازگاری با نیازهای اقتصادی و تجاری مدرن اشاره کرد. در دنیای امروز، که سرعت، اطمینان و انعطاف پذیری در معاملات تجاری اهمیت فزاینده ای دارد، این رویکرد سنتی می تواند به موانعی برای روان سازی تجارت و تحقق عدالت در روابط حقوقی منجر شود. نظریه نوین اراده معقول، که در حقوق قراردادهای مدرن توسعه یافته، با تأکید بر تحلیل عقلانی و منطقی اراده طرفین، رفتارهای ضمنی و عرف تجاری، می تواند مبنایی برای بازنگری ماده ۲۴۷ و رفع کاستی های آن فراهم کند. این نظریه، به جای تمرکز صرف بر شکل ظاهری اراده، به نیت واقعی و معقول طرفین توجه دارد و امکان انعطاف پذیری بیشتری در معاملات فضولی ایجاد می کند. این پژوهش، با هدف تبیین مفهوم معاملات فضولی، نقد ماده ۲۴۷ و بازتعریف آن در پرتو نظریه اراده معقول، به دنبال ارائه پیشنهاد های اصلاحی است که بتواند این ماده را با اصول عدالت، نیازهای بازار مدرن و تحولات حقوقی بین المللی هماهنگ سازد. در این راستا، با بررسی منابع فقهی، حقوقی و تطبیقی، تلاش می شود تا راهکارهایی کاربردی برای بهبود نظام حقوقی معاملات فضولی ارائه شود (کاتوزیان، ۱۳۹۰؛ انصاری، ۱۴۱۵ق؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق).

مفهوم و ماهیت معاملات فضولی در فقه و حقوق ایران

معاملات فضولی در فقه اسلامی و حقوق مدنی ایران به معاملاتی گفته می شود که شخصی (فضول) بدون داشتن اذن یا نمایندگی قانونی (مانند ولایت یا وصایت) یا قراردادی (مانند وکالت)، نسبت به مال یا حقوق دیگری اقدام به انعقاد قرارداد کند. این مفهوم، ریشه عمیقی در فقه امامیه دارد و در آثار فقهای مانند شیخ انصاری (۱۴۱۵ق)، محقق حلی (۱۴۰۸ق) و علامه حلی (۱۴۱۳ق) به تفصیل بررسی شده است. ماده ۲۴۷ قانون مدنی ایران، که برگرفته از این مبانی فقهی است، مقرر می دارد:

«معامله به مال غیر جز به عنوان ولایت یا وصایت یا وکالت نافذ نیست مگر اینکه صاحب مال، آن معامله را اجازه کند.»

این ماده، اصل عدم نفوذ را مبنای معاملات فضولی قرار داده و معامله را تا زمان اجازه صریح مالک، فاقد اثر حقوقی می داند. در صورت رد معامله توسط مالک، معامله باطل می شود (ماده ۲۴۸ قانون مدنی). این رویکرد، با تأکید بر اصل مالکیت و احترام به اراده مالک، از تصرف غیرمجاز در اموال دیگران جلوگیری می کند. با این حال، این اصل در عمل می تواند به نتایج غیرعادلانه منجر شود، به ویژه در مواردی که مالک از معامله منتفع شده یا معامله کننده حسن نیت داشته است. برای مثال، اگر مالک از عوض معامله استفاده کند، اما به دلایل شخصی یا استراتژیک از دادن اجازه صریح خودداری کند، معامله کننده ممکن است متضرر شود، در حالی که مالک از منافع معامله بهره مند شده است. این

وضعیت، با اصول عدالت و انصاف ناسازگار است و ضرورت بازنگری ماده ۲۴۷ را مطرح می‌کند (شهیدی، ۱۳۹۲؛ امامی، ۱۳۸۵؛ نجفی، ۱۳۶۷ق).

چارچوب نظری

در این بخش از پژوهش، دایره نظریات موجود نسبت به معاملا فضولی تبیین خواهند شد.

نظریه اراده معقول: مبانی، اصول و کاربردها

نظریه اراده معقول، رویکردی مدرن در حقوق قراردادها است که در مقابل نظریه‌های سنتی اراده ظاهری و اراده باطنی قرار می‌گیرد. این نظریه، که در نظام‌های حقوقی کامن‌لا و برخی نظام‌های حقوق مدنی مانند فرانسه و آلمان توسعه یافته، به جای تمرکز صرف بر اظهار صریح اراده یا نیت درونی، به تحلیل عقلانی و منطقی اراده طرفین بر اساس رفتارهای قابل مشاهده، عرف و شرایط معامله توجه دارد. بر اساس این نظریه، اراده طرفین باید در چارچوب عرف، حسن نیت و انتظارات معقول طرفین تفسیر شود. برای مثال، اگر مالک با رفتار خود (مانند استفاده از عوض معامله، عدم اعتراض در مدت معقول یا پذیرش منافع معامله) به گونه‌ای عمل کند که رضایت ضمنی او استنباط شود، این رفتار می‌تواند به عنوان اجازه تلقی گردد. این نظریه، با تأکید بر اصول عدالت و انصاف، به دنبال ایجاد توازن بین حقوق طرفین قرارداد است. در معاملات فضولی، نظریه اراده معقول می‌تواند مبنایی برای به رسمیت شناختن اجازه ضمنی، حمایت از حسن نیت معامله‌کننده و تطبیق با عرف تجاری فراهم کند. این رویکرد، با کاهش سخت‌گیری‌های سنتی، امکان انعطاف‌پذیری بیشتری در معاملات فضولی ایجاد می‌کند و می‌تواند ماده ۲۴۷ را با تحولات حقوقی مدرن هماهنگ سازد (Zimmermann, 1996; Treitel, 2003; Gordley, 2006).

مقایسه نظریه اراده معقول با نظریه‌های اراده ظاهری و اراده باطنی

نظریه اراده معقول، در مقایسه با نظریه‌های اراده ظاهری و اراده باطنی، رویکردی متعادل و کاربردی ارائه می‌دهد. نظریه اراده ظاهری، که در برخی نظام‌های حقوقی سنتی غالب است، صرفاً به اظهار صریح اراده توجه دارد و رفتارهای ضمنی یا نیت واقعی را نادیده می‌گیرد. این رویکرد، در معاملات فضولی، می‌تواند به نتایج غیرعادلانه منجر شود، زیرا رفتارهای ضمنی مالک را که ممکن است نشانه رضایت باشد، نادیده می‌گیرد. در مقابل، نظریه اراده باطنی بر نیت درونی طرفین تمرکز دارد، اما اثبات این نیت دشوار است و ممکن است به ابهام در روابط حقوقی منجر شود. نظریه اراده معقول، با ترکیب این دو، به تحلیل عقلانی اراده بر اساس رفتارهای قابل مشاهده، عرف و حسن نیت می‌پردازد. این نظریه، در معاملات فضولی، امکان به رسمیت شناختن اجازه ضمنی و حمایت از معامله‌کننده حسن نیت را فراهم می‌کند و می‌تواند کاستی‌های ماده ۲۴۷ را برطرف کند. برای مثال، اگر مالک با سکوت خود یا استفاده از عوض معامله، رضایت ضمنی نشان دهد، نظریه اراده معقول این رفتار را به عنوان اجازه تلقی می‌کند، که با اصول عدالت هم‌خوانی دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۰؛ لنگرودی، ۱۳۸۸؛ Smits, 2017).

نقش عرف و حسن نیت در تحلیل معاملات فضولی

عرف، به عنوان یکی از منابع مهم در حقوق قراردادها، نقش کلیدی در تفسیر اراده طرفین دارد. در معاملات فضولی، عرف تجاری می‌تواند مبنایی برای نفوذ اولیه معامله باشد، به ویژه در بازارهایی که سرعت و اطمینان در معاملات اهمیت دارد. برای مثال، در معاملات تجاری که واسطه‌ها معمولاً بدون اذن صریح اقدام به معامله می‌کنند (مانند معاملات بورسی یا تجارت بین‌المللی)، عرف می‌تواند به عنوان معیاری برای نفوذ معامله تلقی شود. همچنین، حسن نیت

معامله کننده، به عنوان یکی از اصول بنیادین در حقوق قراردادهای، می تواند مبنایی برای حمایت از او در برابر رد معامله توسط مالک باشد. نظریه اراده معقول، با تأکید بر عرف و حسن نیت، امکان تطبیق معاملات فضولی با نیازهای بازار مدرن را فراهم می کند و می تواند ماده ۲۴۷ را با اصول عدالت و انصاف هماهنگ سازد. این رویکرد، به ویژه در مواردی که مالک از معامله منتفع شده یا اعتراض نکرده، می تواند به نتایج عادلانه تری منجر شود (شهیدی، ۱۳۹۲؛ امامی، ۱۳۸۵؛ Atiyah, 2005).

تحلیل حقوقی ماده ۲۴۷ قانون مدنی

نقاط قوت ماده ۲۴۷ و حمایت از حقوق مالک

ماده ۲۴۷ قانون مدنی، با تأکید بر لزوم اجازه صریح مالک، از حقوق مالکانه حمایت کرده و مانع از سوءاستفاده فضول از اموال دیگران می شود. این ماده، با ایجاد چارچوبی مشخص، از ابهام در روابط حقوقی جلوگیری کرده و اصل احترام به مالکیت را تقویت می کند. برای مثال، در مواردی که فضول با سوءنیت اقدام به معامله می کند، ماده ۲۴۷ با الزام به اجازه صریح، از حقوق مالک دفاع می کند. این رویکرد، ریشه در فقه امامیه دارد و با نظرات فقهایی مانند شیخ انصاری (۱۴۱۵ق)، محقق حلی (۱۴۰۸ق) و علامه حلی (۱۴۱۳ق) هم خوانی دارد. همچنین، این ماده با ایجاد شفافیت در الزامات قانونی، به قضات امکان می دهد تا با اطمینان بیشتری به دعاوی مرتبط با معاملات فضولی رسیدگی کنند. این ویژگی ها، ماده ۲۴۷ را به ابزاری مؤثر برای حفظ نظم حقوقی در معاملات تبدیل کرده است. با این حال، این حمایت قوی از حقوق مالک، گاهی به قیمت نادیده گرفتن حقوق معامله کننده حسن نیت تمام می شود، که یکی از چالش های اصلی این ماده است. برای مثال، در مواردی که معامله کننده حسن نیت به طور معقول باور داشته که فضول نماینده مالک است، رد معامله توسط مالک می تواند به زیان غیرمنصفانه معامله کننده منجر شود (لنگرودی، ۱۳۸۸؛ کاتوزیان، ۱۳۹۰؛ نجفی، ۱۳۶۷ق).

نقاط ضعف ماده ۲۴۷ و چالش های اجرایی

با وجود نقاط قوت، ماده ۲۴۷ با چالش های متعددی مواجه است که ضرورت بازنگری آن را مطرح می کند: سخت گیری در الزام به اجازه صریح: ماده ۲۴۷ صرفاً اجازه صریح را به رسمیت می شناسد و رفتارهای ضمنی مالک، مانند استفاده از عوض معامله، عدم اعتراض در مدت معقول یا پذیرش منافع معامله، را نادیده می گیرد. این امر می تواند به نتایج غیرعادلانه منجر شود، به ویژه در مواردی که مالک عملاً از معامله رضایت دارد، اما به دلایل شخصی یا استراتژیک (مانند کسب سود بیشتر یا اجتناب از تعهدات) از دادن اجازه صریح خودداری می کند. برای مثال، در مواردی که مالک از پول یا کالای دریافت شده در معامله استفاده کرده، اما معامله را رد می کند، معامله کننده ممکن است متضرر شود، در حالی که مالک از منافع معامله بهره مند شده است. این وضعیت، با اصول عدالت و انصاف ناسازگار است و می تواند اعتماد به نظام حقوقی را کاهش دهد (کاتوزیان، ۱۳۹۰؛ صفایی، ۱۳۸۴).

عدم توجه به حسن نیت معامله کننده: ماده ۲۴۷ هیچ اشاره ای به وضعیت حسن نیت یا سوءنیت معامله کننده ندارد. در نظام های حقوقی مدرن، حسن نیت معامله کننده می تواند مبنایی برای حمایت از او باشد، به ویژه اگر به طور معقول باور داشته که فضول نماینده مالک است. این فقدان، می تواند به زیان معامله کننده حسن نیت منجر شود و با اصول عدالت و انصاف ناسازگار باشد. برای مثال، اگر معامله کننده به دلیل ارائه اسناد جعلی توسط فضول یا رفتار موجه او گمراه شده باشد، رد معامله توسط مالک می تواند غیرمنصفانه باشد (Treitel, 2003; Smits, 2017).

ناسازگاری با عرف تجاری و نیازهای بازار مدرن: در بازارهای امروزی، که سرعت و اطمینان در معاملات اهمیت دارد، اصل عدم نفوذ معاملات فضولی می‌تواند مانع از روان‌سازی تجارت شود. برای مثال، در معاملات بورسی، تجارت بین‌المللی یا معاملات با واسطه‌های تجاری، انتظار برای اجازه صریح مالک می‌تواند به تأخیر در معاملات و زیان طرفین منجر شود. این امر، ماده ۲۴۷ را با نیازهای اقتصادی مدرن ناسازگار می‌کند و می‌تواند به کاهش اعتماد در بازارهای تجاری منجر شود (شهیدی، ۱۳۹۲؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸).

ناهماهنگی با تحولات حقوقی مدرن: بسیاری از نظام‌های حقوقی مدرن، مانند کامن‌لا و حقوق مدنی فرانسه، به سمت انعطاف‌پذیری در معاملات فضولی حرکت کرده‌اند. برای مثال، در حقوق فرانسه، اصل نمایندگی ظاهری (mandat apparent) امکان نفوذ معامله را در صورت حسن‌نیت معامله‌کننده فراهم می‌کند، در حالی که ماده ۲۴۷ این انعطاف را ندارد. این ناهماهنگی، ضرورت بازنگری ماده ۲۴۷ را برای هماهنگی با تحولات حقوقی بین‌المللی مطرح می‌کند (Zimmermann, 1996; Gordley, 2006).

بازتعریف معاملات فضولی در پرتو نظریه اراده معقول

کاربرد نظریه اراده معقول در معاملات فضولی

نظریه اراده معقول، با تأکید بر تحلیل عقلانی و منطقی اراده طرفین، می‌تواند معاملات فضولی را از منظری جدید بررسی کرده و کاستی‌های ماده ۲۴۷ را برطرف کند. این نظریه، رفتارهای ضمنی مالک، مانند استفاده از عوض معامله، عدم اعتراض در مدت معقول یا پذیرش منافع معامله، را به‌عنوان نشانه‌هایی از اجازه ضمنی به رسمیت می‌شناسد. برای مثال، اگر مالک از پول یا کالای دریافت‌شده در معامله استفاده کند یا در برابر معامله سکوت کند، این رفتارها می‌توانند نشانه رضایت ضمنی او باشند. این رویکرد، سخت‌گیری ماده ۲۴۷ در الزام به اجازه صریح را کاهش داده و به ایجاد توازن بین حقوق مالک و معامله‌کننده کمک می‌کند. همچنین، نظریه اراده معقول امکان تحلیل اراده طرفین را در چارچوب عرف و شرایط معامله فراهم می‌کند، که به‌ویژه در معاملات تجاری اهمیت دارد. این نظریه، با کاهش وابستگی به شکل ظاهری اراده، به نتایج عادلانه‌تر در معاملات فضولی منجر می‌شود. برای مثال، در مواردی که مالک از معامله منتفع شده و اعتراض نکرده، نظریه اراده معقول می‌تواند معامله را نافذ تلقی کند، که با اصول عدالت هم‌خوانی دارد (امامی، ۱۳۸۵؛ کاتوزیان، ۱۳۹۰؛ Atiyah, 2005).

نقش حسن‌نیت معامله‌کننده در معاملات فضولی

حسن‌نیت معامله‌کننده، به‌عنوان یکی از اصول بنیادین در حقوق قراردادها، می‌تواند مبنایی برای نفوذ معامله فضولی باشد. در نظریه اراده معقول، اگر معامله‌کننده به‌طور معقول باور داشته که فضول نماینده مالک است، معامله می‌تواند نافذ تلقی شود، به‌ویژه اگر مالک از معامله منتفع شده باشد. برای مثال، در مواردی که فضول به‌گونه‌ای عمل کرده که معامله‌کننده حسن‌نیت به‌طور منطقی او را نماینده مالک بداند (مانند ارائه اسناد جعلی، رفتار موجه یا عرف تجاری)، نظریه اراده معقول می‌تواند از معامله‌کننده حمایت کند. این امر، با اصول عدالت و انصاف هم‌خوانی دارد و می‌تواند کاستی‌های ماده ۲۴۷ را در عدم توجه به حسن‌نیت برطرف کند. حمایت از حسن‌نیت، نه تنها به روان‌سازی معاملات کمک می‌کند، بلکه از زیان غیرمنصفانه به معامله‌کننده جلوگیری می‌کند. برای مثال، در معاملات تجاری که واسطه‌ها نقش کلیدی دارند، حمایت از حسن‌نیت می‌تواند اعتماد به بازار را افزایش دهد (Treitel, 2003؛ شهیدی، ۱۳۹۲؛ Smits, 2017).

تأثیر عرف تجاری بر بازتعریف معاملات فضولی

عرف تجاری، به عنوان یکی از منابع مهم در حقوق قراردادها، نقش کلیدی در تفسیر اراده طرفین و تعیین نفوذ معاملات فضولی دارد. در بازارهای مدرن، که سرعت و اطمینان در معاملات اهمیت فزاینده‌ای دارد، عرف می‌تواند مبنایی برای نفوذ اولیه معامله باشد. برای مثال، در معاملات تجاری که واسطه‌ها معمولاً بدون اذن صریح اقدام به معامله می‌کنند (مانند معاملات بورسی، تجارت بین‌المللی یا معاملات دیجیتال)، عرف می‌تواند به عنوان معیاری برای نفوذ معامله تلقی شود. نظریه اراده معقول، با تأکید بر عرف تجاری، امکان تطبیق معاملات فضولی با نیازهای بازار مدرن را فراهم می‌کند. این رویکرد، به ویژه در مواردی که مالک از معامله منتفع شده یا اعتراض نکرده، می‌تواند ماده ۲۴۷ را انعطاف‌پذیرتر کند و به روان‌سازی تجارت کمک کند. برای مثال، در معاملات دیجیتال که واسطه‌ها نقش کلیدی دارند، عرف می‌تواند مبنایی برای نفوذ معامله باشد، حتی بدون اجازه صریح مالک (شهیدی، ۱۳۹۲؛ لنگرودی، ۱۳۸۸؛ Gordley, 2006).

تطبیق معاملات فضولی با نظام‌های حقوقی مدرن

در نظام‌های حقوقی مدرن، رویکردهای انعطاف‌پذیرتری برای تنظیم معاملات فضولی وجود دارد که می‌توانند الهام‌بخش اصلاح ماده ۲۴۷ باشند. در نظام کامن‌لا، اصل استاپل (estoppel) مانع از انکار معامله توسط مالک می‌شود اگر رفتار او به گونه‌ای باشد که معامله‌کننده را به اشتباه انداخته باشد. برای مثال، اگر مالک با سکوت خود یا رفتارهایش به معامله‌کننده القا کند که فضول نماینده اوست، نمی‌تواند بعداً معامله را رد کند. در حقوق فرانسه، اصل نمایندگی ظاهری (mandat apparent) امکان نفوذ معامله را در صورت حسن‌نیت معامله‌کننده فراهم می‌کند، حتی اگر فضول فاقد نمایندگی باشد. در حقوق آلمان، مفهوم نمایندگی ظاهری (Anscheinsvollmacht) نیز رویکرد مشابهی دارد. این رویکردها، با تأکید بر حسن‌نیت و رفتارهای معقول مالک، امکان انعطاف‌پذیری بیشتری در معاملات فضولی ایجاد می‌کنند و می‌توانند الگویی برای بازنگری ماده ۲۴۷ باشند. این مقایسه تطبیقی نشان می‌دهد که ماده ۲۴۷، با تأکید صرف بر اجازه صریح، با تحولات حقوقی مدرن هم‌خوانی ندارد و نیازمند اصلاح است (Zimmermann, 1996; Kötz, 2003; Treitel, 2017).

تحلیل تطبیقی معاملات فضولی در نظام‌های حقوقی

در نظام‌های حقوقی مختلف، رویکردهای متفاوتی به معاملات فضولی وجود دارد که می‌توانند درس‌هایی برای اصلاح ماده ۲۴۷ ارائه دهند. در نظام کامن‌لا، اصل استاپل و دکترین نمایندگی ظاهری (apparent authority) امکان نفوذ معامله را در صورت حسن‌نیت معامله‌کننده فراهم می‌کنند. برای مثال، اگر مالک با رفتار خود (مانند سکوت یا تأیید ضمنی) به معامله‌کننده القا کند که فضول نماینده اوست، معامله می‌تواند نافذ تلقی شود. در حقوق فرانسه، اصل نمایندگی ظاهری (mandat apparent) بر این مبنا استوار است که اگر معامله‌کننده حسن‌نیت داشته و به طور معقول باور داشته که فضول نماینده مالک است، معامله نافذ است. در حقوق آلمان، مفهوم نمایندگی ظاهری (Anscheinsvollmacht) نیز رویکرد مشابهی دارد و بر حسن‌نیت و رفتارهای معقول مالک تأکید می‌کند. در مقابل، ماده ۲۴۷ قانون مدنی ایران، با تأکید صرف بر اجازه صریح، این انعطاف را ندارد و می‌تواند به نتایج غیرعادلانه منجر شود. این تحلیل تطبیقی، ضرورت بازنگری ماده ۲۴۷ را برای هماهنگی با نظام‌های حقوقی مدرن و اصول عدالت تأیید می‌کند. برای مثال، در حقوق فرانسه، ماده ۱۱۵۶ قانون مدنی فرانسه (Code Civil) بر تفسیر قراردادها بر اساس

نیت معقول طرفین تأکید دارد، که می‌تواند الگویی برای اصلاح ماده ۲۴۷ باشد (Zimmermann, 1996; Treitel, 2003; Kötz, 2017).

چالش‌های اجرایی ماده ۲۴۷ در رویه قضایی ایران

در رویه قضایی ایران، ماده ۲۴۷ به‌طور گسترده‌ای به‌عنوان مبنای رسیدگی به دعاوی معاملات فضولی مورد استناد قرار می‌گیرد. با این حال، تفسیر سخت‌گیرانه این ماده توسط محاکم، گاهی به نتایج غیرمنصفانه منجر شده است. برای مثال، در مواردی که معامله‌کننده حسن‌نیت داشته و به‌طور معقول باور داشته که فضول نماینده مالک است، رد معامله توسط مالک به زیان معامله‌کننده منجر شده است. همچنین، عدم توجه به رفتارهای ضمنی مالک در رویه قضایی، به پیچیدگی در رسیدگی به دعاوی معاملات فضولی افزوده است. برای مثال، در برخی آرای قضایی، حتی در مواردی که مالک از عوض معامله استفاده کرده، معامله به دلیل فقدان اجازه صریح رد شده است، که با اصول عدالت ناسازگار است. این چالش‌ها، ضرورت تدوین رویه قضایی منسجم و بازنگری ماده ۲۴۷ را برای هماهنگی با اصول عدالت و عرف تجاری تأیید می‌کند. نظریه اراده معقول می‌تواند به قضات کمک کند تا با تحلیل عقلانی رفتارهای طرفین، به نتایج عادلانه‌تری دست یابند. برای مثال، در آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور، می‌توان از نظریه اراده معقول برای تفسیر ماده ۲۴۷ استفاده کرد تا از تفاسیر متضاد جلوگیری شود (کاتوزیان، ۱۳۹۰؛ امامی، ۱۳۸۵؛ صفایی، ۱۳۸۴).

یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ماده ۲۴۷ قانون مدنی، با وجود حمایت قوی از حقوق مالک، با چالش‌های متعددی مواجه است که ضرورت بازنگری آن را مطرح می‌کند. سخت‌گیری در الزام به اجازه صریح، عدم توجه به حسن‌نیت معامله‌کننده، ناسازگاری با عرف تجاری و ناهماهنگی با تحولات حقوقی مدرن، از مهم‌ترین کاستی‌های این ماده است. نظریه اراده معقول، با تأکید بر تحلیل عقلانی اراده طرفین، اجازه ضمنی، حسن‌نیت و عرف تجاری، می‌تواند مبنایی برای رفع این کاستی‌ها فراهم کند. این نظریه، با ایجاد انعطاف‌پذیری در معاملات فضولی، امکان توازن بین حقوق مالک و معامله‌کننده را فراهم کرده و به روان‌سازی معاملات تجاری کمک می‌کند. مقایسه تطبیقی با نظام‌های حقوقی مدرن، مانند اصل استاپل در کامن‌لا و نمایندگی ظاهری در حقوق فرانسه و آلمان، نشان می‌دهد که ماده ۲۴۷ نیازمند اصلاحاتی برای هماهنگی با تحولات حقوقی است. نتایج پژوهش، پیشنهادهایی برای اصلاح ماده ۲۴۷ ارائه می‌دهد که می‌تواند این ماده را با نیازهای حقوقی و اقتصادی مدرن هماهنگ کند و به توسعه عدالت در روابط قراردادی کمک کند. این اصلاحات، نه تنها به بهبود نظام حقوقی ایران کمک می‌کنند، بلکه می‌توانند اعتماد به بازارهای تجاری را افزایش دهند (شهییدی، ۱۳۹۲؛ Zimmermann, 1996; Kötz, 2017).

پیشنهادهای اصلاحی برای ماده ۲۴۷

برای هماهنگی ماده ۲۴۷ با نظریه اراده معقول و نیازهای حقوقی-اقتصادی مدرن، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود: به رسمیت شناختن اجازه ضمنی: قانون باید رفتارهای معقول مالک، مانند استفاده از عوض معامله، عدم اعتراض در مدت معقول یا پذیرش منافع معامله، را به‌عنوان اجازه ضمنی به رسمیت بشناسد. پیشنهاد می‌شود ماده ۲۴۷ به‌صورت زیر اصلاح شود:

«معامله به مال غیر جز در موارد نمایندگی قانونی یا قراردادی، نافذ نیست مگر اینکه مالک به صورت صریح یا ضمنی آن را اجازه کند. رفتارهایی مانند استفاده از عوض معامله یا عدم اعتراض در مدت معقول، به عنوان اجازه ضمنی تلقی می شود.» این اصلاح، انعطاف پذیری ماده را افزایش داده و از نتایج غیرعادلانه جلوگیری می کند.

حمایت از حسن نیت معامله کننده: قانون باید مقرر کند که در صورت حسن نیت معامله کننده و باور معقول او به نمایندگی فضول، معامله نافذ باشد، مشروط به اینکه مالک متضرر نشود. این امر با اصول عدالت و انصاف همخوانی دارد.

ایجاد استثنای در معاملات تجاری: در معاملات تجاری فوری یا مبتنی بر عرف، قانون می تواند نفوذ اولیه معامله را به رسمیت بشناسد تا با نیازهای بازار مدرن هماهنگ شود. برای مثال، در معاملات بورسی یا تجارت بین المللی، عرف می تواند مبنایی برای نفوذ معامله باشد.

تطبیق با اصول عدالت و انصاف: ماده ۲۴۷ باید با اصول عدالت و انصاف هماهنگ شود تا از زیان به معامله کننده حسن نیت جلوگیری کند. این امر می تواند از طریق افزودن قیودی مانند «حسن نیت» و «عرف تجاری» به متن ماده محقق شود.

تدوین رویه قضایی منسجم: محاکم باید با تکیه بر نظریه اراده معقول، رویه ای منسجم برای تفسیر ماده ۲۴۷ ایجاد کنند تا از تفاسیر متضاد جلوگیری شود. این امر می تواند از طریق صدور آرای وحدت رویه یا آموزش قضات محقق شود.

ضرورت اصلاح ماده ۲۴۷ در چارچوب تحولات اقتصادی

تحولات اقتصادی مدرن، به ویژه در زمینه تجارت بین المللی، بازارهای دیجیتال و اقتصاد جهانی، نیازمند نظام حقوقی منعطفی است که بتواند با سرعت و اطمینان مورد نیاز این معاملات هماهنگ شود. ماده ۲۴۷، با تأکید بر اجازه صریح، نمی تواند به طور کامل به این نیازها پاسخ دهد. نظریه اراده معقول، با امکان به رسمیت شناختن اجازه ضمنی و عرف تجاری، می تواند ماده ۲۴۷ را با این تحولات هماهنگ سازد. برای مثال، در معاملات دیجیتال که واسطه ها نقش کلیدی دارند، عرف می تواند مبنایی برای نفوذ معامله باشد، حتی بدون اجازه صریح مالک. این اصلاح، نه تنها به روان سازی تجارت کمک می کند، بلکه به جذب سرمایه گذاری خارجی، تقویت اعتماد به بازارهای تجاری و توسعه اقتصادی نیز یاری می رساند. برای مثال، در معاملات آنلاین که سرعت اهمیت دارد، انتظار برای اجازه صریح می تواند به کاهش کارایی بازار منجر شود. نظریه اراده معقول، با توجه به عرف و حسن نیت، می تواند این مشکل را برطرف کند (شهیدی، ۱۳۹۲؛ Kötzt, 2017).

نتیجه گیری

ماده ۲۴۷ قانون مدنی ایران، با وجود حمایت قوی از حقوق مالک، با چالش های متعددی مواجه است که ضرورت بازنگری آن را مطرح می کند. سخت گیری در الزام به اجازه صریح، عدم توجه به حسن نیت معامله کننده، ناسازگاری با عرف تجاری و ناهماهنگی با تحولات حقوقی مدرن، از مهم ترین کاستی های این ماده است. نظریه اراده معقول، با تأکید بر تحلیل عقلانی اراده طرفین، اجازه ضمنی، حسن نیت و عرف تجاری، می تواند مبنایی برای بازتعریف معاملات فضولی و رفع این کاستی ها فراهم کند. این نظریه، با ایجاد انعطاف پذیری در معاملات فضولی، امکان توازن بین حقوق مالک و معامله کننده را فراهم کرده و به روان سازی معاملات تجاری کمک می کند. مقایسه تطبیقی با نظام های حقوقی مدرن،

مانند اصل استاپل در کامن لا و نمایندگی ظاهری در حقوق فرانسه و آلمان، نشان می‌دهد که ماده ۲۴۷ نیازمند اصلاحاتی برای هماهنگی با تحولات حقوقی است. پیشنهادهای اصلاحی شامل به رسمیت شناختن اجازه ضمنی، حمایت از حسن نیت، ایجاد استثنای در معاملات تجاری، تطبیق با اصول عدالت و تدوین رویه قضایی منسجم است. این اصلاحات می‌توانند ماده ۲۴۷ را با نیازهای حقوقی و اقتصادی مدرن هماهنگ کرده و به توسعه عدالت در روابط قراردادی کمک کنند. علاوه بر این، بازنگری ماده ۲۴۷ در پرتو نظریه اراده معقول، می‌تواند الگویی برای سایر نظام‌های حقوقی با ریشه فقهی باشد و به بهبود نظام حقوقی ایران در سطح بین‌المللی کمک کند. این اصلاحات، نه تنها به تقویت اعتماد در معاملات تجاری و کاهش دعاوی حقوقی منجر می‌شوند، بلکه می‌توانند به توسعه اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش کارایی بازارهای تجاری کمک کنند. پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار و قوه قضاییه، با توجه به این یافته‌ها، اقدامات لازم برای اصلاح ماده ۲۴۷ و تدوین رویه قضایی منسجم را در دستور کار قرار دهند. همچنین، آموزش قضات و وکلا در زمینه نظریه اراده معقول می‌تواند به اجرای بهتر این اصلاحات کمک کند.

منابع و مآخذ

- قانون مدنی ایران، مصوب ۱۳۰۷ با اصلاحات بعدی.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۵ق). مکاسب. قم: دارالکتاب.
- محقق حلی، جعفر (۱۴۰۸ق). شرایع الاسلام. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق). قواعد الاحکام. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۷ق). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸ق). تحریر الوسیله. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). حقوق مدنی: عقود معین. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- امامی، حسن (۱۳۸۵). حقوق مدنی. جلد دوم. تهران: انتشارات اسلامی.
- شهیدی، مهدی (۱۳۹۲). تشکیل قراردادها و تعهدات. تهران: مجد.
- لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
- صفایی، حسین (۱۳۸۴). حقوق مدنی: اشخاص و اموال. تهران: میزان.
- Zimmermann, R. (1996). The Law of Obligations: Roman Foundations of the Civilian Tradition. Oxford: Oxford University Press.
- Treitel, G. H. (2003). The Law of Contract. London: Sweet & Maxwell.
- Gordley, J. (2006). Foundations of Private Law: Property, Tort, Contract, Unjust Enrichment. Oxford: Oxford University Press.
- Kötz, H. (2017). European Contract Law. Oxford: Oxford University Press.
- Smits, J. M. (2017). Contract Law: A Comparative Introduction. Cheltenham: Edward Elgar Publishing.
- Atiyah, P. S. (2005). An Introduction to the Law of Contract. Oxford: Oxford University Press.